



## بررسی ضرورت وجود ضمانت سپرده‌ها در بانکداری ایران

یعقوب فاطمی زردان<sup>۱</sup>

### چکیده

بانکداری بدون ربا و متعارف نسبت به یکدیگر تفاوت‌های اساسی و بنیادی دارند. از جمله این تفاوت‌ها می‌توان به نحوه مشارکت سپرده‌گذار در سرمایه‌گذاری، نحوه تسهیم ریسک در این دو بانکداری، وجود نرخ بهره، آگاهی سپرده‌گذار از سرنوشت سپرده‌اش و نحوه ضمانت سپرده‌های بانکی از سوی بانک‌ها اشاره کرد. براساس تفاوت‌های ذکر شده می‌توان عملکرد و کارایی سیستم ضمانت سپرده‌ها را در این دو بانکداری به چالش کشید. در این تحقیق با تحلیل تفاوت‌های بانکداری متعارف و بدون ربا و تطابق آن از منظر تضمین سپرده‌ها، ضرورت وجود ضمانت سپرده‌ها برای این دو نظام بررسی شده است. براساس نتایج این تحقیق، وجود ضمانت سپرده‌ها برای نظام بانکداری ربوی نسبت به حالت اسلامی ضروری‌تر به نظر می‌رسد. همچنین با تطبیق این نتایج با نظام بانکداری ایران مشاهده شد که بانکداری ایران به بانکداری ربوی شباهت بیشتری دارد تا بانکداری اسلامی که این موضوع خود وجود سیستم ضمانت سپرده‌ها را برای بانکداری ایران ضروری و لازم می‌داند. **واژه‌های کلیدی:** ضمانت (بیمه) سپرده، بانکداری بدون ربا، بانکداری ربوی. **طبقه‌بندی JEL:** G21, G22, G33.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا، (نویسنده مسئول): Yaghobfatemi0@gmail.com

## مقدمه

امروزه بانکها با جذب سپردهها و متمرکز کردن پس اندازها، به عنوان ابزاری برای اجرای سیاستهای پولی، ارائه تسهیلات و هدایت نقدینگی به بخش تولیدی کشور، افزایش سرمایه گذاری از طریق تخصیص سرمایه مورد نیاز، بالابردن ارزش افزوده اقتصاد، برقراری شرایط رقابتی برای بانکها، واسطه گری مالی و ارائه خدمات مالی به مشتریان برای نظام اقتصادی کشور نقش آفرینی می کنند. در نتیجه بی ثباتی این نظام می تواند اثرات جبران ناپذیری برای آن کشور در پی داشته باشد. بنابراین ضروری است دولت ها اقدام های لازم را برای حفظ ثبات نظام بانکی و کاهش اثر بحران بانکی انجام دهند. از جمله اقدام هایی که می توان به کمک آن امنیت نظام مالی را ارتقا داد، ضمانت سپرده ها است. ضمانت سپرده ها به تضمینی گفته می شود که از سوی یک نهاد دولتی، خصوصی یا وابسته به بانک مرکزی یا ترکیبی از این نهادها، به منظور حمایت از سپرده های سپرده گذاران ایجاد می شود و در صورت بروز مشکلی برای سپرده های افراد، این نهاد، کل یا میزان محدودی از اصل سپرده و سود حاصل از آن را که تحت پوشش این نهاد است به سپرده گذاران پرداخت می کند. پرسش مهم مطرح این است که آیا ضرورت وجود این سیستم برای همه بانک های اسلامی و ربوی به یک شکل خواهد بود؟

در این تحقیق به منظور پاسخ به پرسش فوق و آشنایی بیشتر با ضمانت سپرده ها و کارکرد آن در بانک های اسلامی و متعارف، نخست به بررسی مبانی نظری تحقیق و پیشینه تحقیق پرداخته و در بخش های بعدی بانکداری اسلامی و متعارف از حیث وجود ضمانت سپرده ها و تطابق آن با نظام بانکداری ایران بررسی شده است.

## مبانی نظری و پیشینه تحقیق

پس از بحران بزرگ مالی در سال ۱۹۳۳ و ورشکستگی بسیاری از بانکها و مؤسسات مالی در جهان، ایالات متحده آمریکا بر آن شد به منظور حمایت از سپرده گذاران و همچنین افزایش ثبات مالی نظام بانکی، نهادی ایجاد کند که سپرده های افراد را تحت پوشش خود قرار دهد تا در صورت بروز حادثه ای برای سپرده های افراد، به بازپرداخت سریع آن ها اقدام کند؛ در نتیجه بیمه سپرده فدرال به عنوان اولین نهاد تضمین کننده سپرده ها تأسیس شد. دیری نپایید که سایر کشورها نیز به منظور حمایت از نظام بانکی و سپرده گذاران، به اجرای این سیستم اقدام کردند؛ به گونه ای که طبق آمار اتحادیه بین المللی بیمه گران سپرده<sup>۱</sup>، تا سال ۲۰۱۶ تعداد ۱۰۳ کشور دارای نهاد ضمانت سپرده شدند.

<sup>1</sup> International Association of Deposit Insurers (IADI)

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی<sup>۱</sup> ضمانت (بیمه) سپرده‌ها را این‌گونه تعریف می‌کند: «یک الگوی رسمی که توسط قانون پایه‌گذاری شده است تا به‌وسیله آن زیان‌های سپرده‌گذاران در نتیجه بحران بانکی محدود شود. نوعاً هدف از اجرای این سیاست بیمه‌ای، اطمینان‌سازی برای سپرده‌گذاران کوچک در بازار مالی و کاهش ریسک سیستماتیک ناشی از خروج یکباره سپرده‌ها توسط افراد در بانک‌های مشکل‌دار است. این سیستم می‌تواند به‌صورت خصوصی یا با کمک بودجه‌های دولتی تأمین مالی شود» (طالبلو، ۱۳۹۰).

در حقیقت ضمانت سپرده‌ها در وهله نخست با جلب اعتماد سپرده‌گذاران نسبت به نظام بانکی مانع از هجوم یکباره سپرده‌گذاران به سمت بانک‌ها در شرایط بحرانی می‌شود و این فرصت را به نهادها و بانک‌ها می‌دهد تا بانک‌های دارای مشکل را شناسایی و راه حل مناسبی برای رفع مشکل آن‌ها اتخاذ کنند. در صورتی که مشکل بانک مورد نظر حل نشود، نهاد ضمانت سپرده‌ها با ایجاد بستری مناسب، به‌گونه‌ای که کمترین ضرر و زیان به سایر بانک‌ها، سپرده‌گذاران و اقتصاد کشور وارد شود، زمینه را برای خروج این بانک از گردونه نظام اقتصادی فراهم می‌کند که این عمل خود افزایش ثبات مالی را به‌همراه خواهد داشت.

تضمین سپرده‌ها اهمیت ویژه‌ای برای نظام بانکی و اقتصاد کشور دارد. از جمله نکات مثبت حاصل از پیاده‌سازی ضمانت سپرده‌ها می‌توان این موارد را نام برد: افزایش ثبات مالی در نظام بانکی، حمایت از سپرده‌های سپرده‌گذاران در برابر بحران‌های بانکی، افزایش رقابت بین بانک‌ها و برقراری شرایط برابر برای فعالیت همه بانک‌ها و مؤسسات، کاهش نابرابری و عدم تقارن اطلاعاتی، شناسایی بانک‌ها و مؤسسات مشکل‌دار و ارائه راه‌حل مناسب برای حل آن مشکل، جلوگیری از فرار سرمایه و حفظ منابع و ثروت ملی در بانک‌های داخلی، کاهش زمینه ایجاد بانکداری سایه و اثرات نامطلوب آن، افزایش ارائه تسهیلات بانکی در نتیجه کاهش ذخیره احتیاطی، کاهش مداخله و هزینه‌های نظارتی دولت و جلوگیری از آثار نامطلوب کوتاه‌مدت و بلندمدت اقتصادی ناشی از عدم اطمینان به نظام بانکی کشور مانند افزایش نرخ ارز، تشدید تورم، افزایش نرخ بهره، کاهش سود، کاهش سرمایه‌گذاری و ایجاد کسری در حساب موازنه پرداخت‌ها، کاهش رشد اقتصادی، فرسایش پایه مالیاتی و وخیم‌تر کردن توزیع درآمد (فاطمی، ۱۳۹۵).

با همه این شرایط، در صورتی که پس از پیاده‌سازی این سیستم به عواملی مانند، بررسی شرایط اقتصادی و نظام بانکداری کشور، زیرساخت‌های لازم برای پیاده‌سازی مناسب این سیستم، تصویب و

<sup>۱</sup> Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

اجراء قوانین و مقررات مناسب و کارآمد، عدم استفاده از دانش متخصصان این زمینه در زمان اجرا و عدم نظارت و کنترل کافی بر بانکها توجه نشود، به پیامدهای ناگواری از جانب ضمانت سپردهها منجر خواهد شد؛ از جمله این پیامدهای ناگواری می‌توان مخاطرات رفتاری و انتخاب نادرست را نام برد. مخاطرات رفتاری به دلیل کاهش نظارت افراد و نهادهای مرتبط با بانک نسبت به فعالیتهای بانکها صورت می‌گیرد که این کاهش نظارت خود به دلیل وجود اطمینان به بازگشت سپردهها ایجاد می‌شود و همه این عوامل چراغ سبزی خواهد شد برای فعالیت بانکها در عملیات ریسکی بالا (خادمعلی، ۱۳۸۳)؛ لذا وجود قوانین نظارتی و کنترلی بالا بر فعالیت بانکها ضروری است. انتخاب نادرست زمانی صورت می‌گیرد که نهاد تضمین کننده سپرده نتواند بانکهای با ریسک بالا و پایین را به درستی شناسایی کند و در نتیجه فقط بانکهای با ریسک بالا به عضویت این نهاد در می‌آیند که البته این مشکل را می‌توان با عضویت اجباری مؤسسات و بانکها تا حدودی مرتفع ساخت.

در نتیجه برای برقراری سیستم تضمین سپرده منسجم و سازمان یافته لازم است عواملی در نظر گرفته شود، از قبیل: ایجاد زیرساختهای مورد نیاز برای استقرار سیستم ضمانت سپرده، اجباری بودن عضویت بانکها و مؤسسات اعتباری در این سیستم، ایجاد نهاد نظارتی بر فعالیت مؤسسات و بانکهای بیمه شده به منظور کاهش جوانب منفی ضمانت سپرده، حضور ناظرانی در شبکه بانکی برای شناسایی به موقع بانکهای مشکل دار، گرفتن حق عضویت خاص برای فعالیتهای مختلف بانکی و پوشش سپردهها به گونه‌ای که نظارت افراد و نهادهای مرتبط با بانک را بر فعالیتهای بانکی کاهش ندهد. با توجه به نکات فوق، به بررسی اجمالی تجربه سایر کشورها و نحوه کارکرد سیستم ضمانت سپرده در این کشورها پرداخته می‌شود.<sup>۱</sup>

**بیمه سپرده در ایالات متحده آمریکا<sup>۲</sup>:** بیمه سپرده برای نخستین بار در ایالات متحده آمریکا با تأسیس نظام بیمه سپرده فدرال در سال ۱۹۳۳ شروع به کار کرد. میزان پوشش اولیه این سیستم تا سقف ۲۵۰۰ دلار بوده و هم اکنون ۲۵۰ هزار دلار است. تأمین وجه شرکت بیمه سپرده فدرال به صورت حق عضویت‌های دریافتی از بانکها و عواید حاصل از سرمایه‌گذاری است. مؤسسه بیمه سپرده فدرال وظیفه مدیریت دو صندوق بیمه با نامهای صندوق بیمه بانک<sup>۳</sup> و صندوق بیمه مؤسسات پس‌انداز<sup>۴</sup> را

<sup>۱</sup> در این بخش از تحقیق‌ها و مقالات صندوق ضمانت سپرده (<http://www.idgf.ir/>) نیز بهره گرفته شده است.

<sup>۲</sup> Federal Deposit Insurance Corporation (FDIC)

<sup>۳</sup> Bank Insurance Funds (BIF)

<sup>۴</sup> Savings Association Insurance Fund (SAIF)

برعهده دارد. همچنین این مؤسسه، مدیریت صندوق FRF<sup>۱</sup> را که در سال ۱۹۸۹ برای مقابله با بحران‌های دهه ۱۹۸۰ صندوق پس‌انداز از سوی کنگره تأسیس شده بود، برعهده گرفت. بیمه مؤسسات پس‌انداز از سوی کنگره در سال ۱۹۸۹ برای جای‌گزینی با مؤسسه بیمه تسهیلات و پس‌انداز فدرال تأسیس شد تا سپرده‌های پس‌انداز را تا مبلغ خاصی بیمه کند (شیخانی، ۱۳۸۱). بیمه سپرده فدرال، همه سپرده‌های دریافتی بانک بیمه شده شامل سپرده‌های دیداری، حساب‌های پس‌انداز و قابل برداشت، حساب‌های سپرده بازار پول و سپرده‌های مدت‌دار بانکی را پوشش می‌دهد که این پوشش شامل اصل مبلغ و بهره دیرکرد از تاریخ تعطیلی بانک بیمه شده است. بیمه سپرده فدرال، مانده حساب هر یک از سپرده‌گذاران را تا سقف محدودیت بیمه‌ای پوشش می‌دهد. البته این سازمان پول‌های سرمایه‌گذاری شده در سهام، اوراق قرضه، صندوق‌های تعاونی، بیمه‌نامه‌های بیمه عمر، مستمری‌های سالانه یا اوراق بهادار شهری را حتی اگر این سرمایه‌گذاری‌ها از یک بانک بیمه شده خریداری شده باشد و همچنین اسناد کوتاه‌مدت، اوراق قرضه یا اسکناس‌های خزانه آمریکا را بیمه نمی‌کند.

**شرکت بیمه سپرده در کانادا:** شرکت بیمه سپرده در کانادا در سال ۱۹۶۷ تأسیس شد. هدف از تأسیس این نهاد در کشور کانادا بیمه کردن سپرده‌های مشتریان بانک‌ها، مؤسسات امانی و شرکت‌های تسهیلات و همچنین کمک به ثبات و سلامت نظام مالی کشور کانادا بود. از سال ۱۹۹۹، CDIC مؤسسات عضو را براساس شاخص‌هایی مانند نسبت کفایت سرمایه، سودآوری، کیفیت دارایی و ریسک تمرکز در چهار گروه طبقه‌بندی و برای هر طبقه، نرخ عضویت متفاوتی تعیین کرده است. در این کشور میزان پوشش در سال ۱۹۶۷ معادل ۲۰ هزار دلار و در حال حاضر سقف پوشش که شامل اصل و بهره مشتقه برای هر عضو در مؤسسه است برابر ۱۰۰ هزار دلار کانادا است. به‌طور کلی سپرده‌هایی که تحت حمایت CDIC قرار می‌گیرند شامل سپرده‌هایی که در ادارات مرکزی یا شعب مؤسسات عضو در کانادا تودیع می‌شوند و همچنین سپرده‌هایی که به دلار کانادا است ولی در خارج از کشور نگهداری می‌گردد، نمی‌شوند، بلکه شامل سپرده‌هایی است که به واحد پول کانادا تودیع شده‌اند و عبارتند از: سپرده‌های پس‌انداز، سپرده‌های جاری، گواهی سپرده‌های سرمایه‌گذاری با سررسید پنج سال و کمتر و سایر سپرده‌های مدت‌دار با سررسید پنج سال و کمتر مانند گواهی‌نامه و اوراق قرضه ضمانت شده، حواله بانکی، برات، چک‌ها و چک‌های مسافرتی که از سوی مؤسسات عضو صادر می‌شود.

<sup>۱</sup> FSLIC Resolution Fund (FRF)

<sup>۲</sup> Canada Deposit Insurance Corporation (CDIC)

**بیمه سپرده در مالزی<sup>۱</sup>:** در سال ۲۰۰۵ پس از تصویب قانون شرکت بیمه سپرده مالزی، نظام بیمه سپرده راه‌اندازی شد. نظام بیمه سپرده مالزی توسط شرکت بیمه سپرده این کشور (MDIC) اداره می‌شود و هدف آن محافظت از سپرده‌های اسلامی و حساب‌های سرمایه‌گذاری، ایجاد انگیزه برای مدیریت ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی و مشارکت در ارتقای نظام مالی مالزی است. با توجه به دوگانه بودن نظام بانکداری مالزی، نظام بیمه سپرده در این کشور نیز دوگانه است؛ طوری که نظام بیمه سپرده اسلامی به صورت مجزا و به موازات نظام بیمه سپرده متعارف در حرکت است. طبق قانون خدمات مالی اسلامی سال ۲۰۱۳ عضویت در نظام بیمه سپرده اسلامی برای همه بانک‌ها و مؤسسات مالی اجباری است. برخلاف مدل تکافل که توافق بین مشارکت‌کنندگان صورت می‌گرفت، در مدل کفاله بالاجر توافق بین بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی و MDIC است. همچنین در مدل کفاله بالاجر بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی باید حق بیمه را به بیمه‌کننده پرداخت کنند. در مدل تکافل سهامداران صندوق تکافل مالک آن بودند، اما مدل کفاله بالاجر شرکت بیمه‌کننده مالک آن صندوق است. در نهایت هزینه جبران سپرده‌های سرمایه‌گذاران در مدل تکافل از صندوق تکافل تأمین می‌شد ولی در مدل کفاله بالاجر این هزینه از محل صندوقی که متعلق به بیمه‌کننده سپرده است، تهیه می‌شود.

**بیمه سپرده در اندونزی<sup>۲</sup>:** اندونزی به منظور حفظ ثبات بخش بانکی در سال ۲۰۰۴ میلادی اقدام به راه‌اندازی بیمه سپرده در شهر جاکارتا کرد. مشارکت تمام بانک‌های عامل اندونزی در این سیستم الزامی است و به موجب این قانون، شرکت بیمه سپرده اندونزی (IDIC) دو مسئولیت کلیدی را داراست: الف- تضمین سپرده مشتری بانک؛

ب- حل و فصل و اتخاذ راه‌حل در قبال بانک‌های مشکل‌دار.

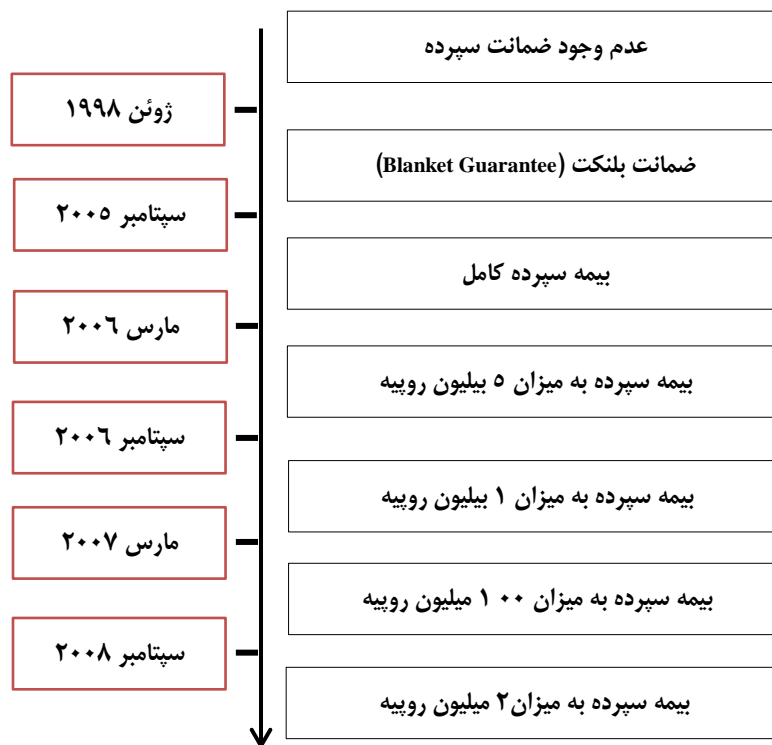
در حقیقت IDIC با پوشش اندازه خاصی از سپرده، ضمن حفظ اطمینان مشتری از بازپرداخت سپرده‌هایش، سعی در کاهش بار مالی و به حداقل رساندن خطر اخلاقی دارد. سرمایه اولیه IDIC معادل چهارتریلیون روپیه از بودجه دولت است. اگر این سرمایه به کمتر از سرمایه اولیه برسد، دولت موظف است سرمایه بیشتری به IDIC تزریق کند. درآمد IDIC از حق بیمه‌ای که از بانک‌ها دریافت می‌گردد، تأمین می‌شود. با توجه به قانون این کشور، بانک‌ها باید در سال دوبار حق بیمه پرداخت کنند. نرخ حق بیمه برای هر بانک به طور ثابت معادل یک‌دهم درصد میانگین شش ماه از

<sup>1</sup> Malaysia deposit insurance corporation (MDIC)

<sup>2</sup> Indonesia Deposit Insurance Corporation (IDIC)

سپرده‌هایی که نزد بانک قرار گرفته‌اند، محاسبه می‌شود. در زمان تأسیس بیمه سپرده، این مؤسسه همه سپرده‌های موجود در هر بانک را پوشش می‌داد ولی به تدریج سقف این سطح از پوشش را کاهش داد که در نمودار (۱) قابل مشاهده است (بایو کاریاستانتو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

نمودار ۱: تاریخچه بیمه سپرده و سطح پوشش آن در اندونزی



بیمه سپرده در اندونزی، سپرده‌های سپرده‌گذاران را که به شکل حساب پس‌انداز، سپرده‌های مدت‌دار، حساب‌های جاری، گواهی سپرده و اشکال دیگر سپرده‌ها است را تحت پوشش قرار می‌دهد. همچنین شرکت بیمه سپرده در این کشور حساب‌هایی را که براساس شریعت اسلامی شکل گرفته‌اند،

<sup>1</sup> Bayu Kariastanto

مانند حساب براساس ودیعه جاری، حساب پس انداز ودیعه، حساب پس انداز براساس مضاربه و سپرده‌های مدت‌دار براساس مضاربه، نیز تحت پوشش خود قرار می‌دهد.

### پیشینه تحقیق

خادمعلی (۱۳۸۳)، در مطالعه‌ای با عنوان بیمه سپرده و ضرورت شکل‌گیری آن در سیستم بانکی کشور، نخست با روش تحلیلی به بررسی جوانب گوناگون بیمه سپرده و نحوه عملکرد آن در برخی از کشورها پرداخته و آثار منفی ناشی از به‌کارگیری نادرست بیمه سپرده در نظام بانکی را بررسی کرده است. نتایج به‌دست آمده از تحقیق آن‌ها بیان می‌دارد که پیش‌شرط ضروری برای اعمال نظارت مؤثر بر نظام بانکی، وجود سیاست‌های اقتصادی سالم و مستمر در سطح کلان و نیز زیرساخت توسعه یافته عمومی و مناسب است و عدم نظارت بر این سیستم پیامدهای نامطلوبی در پی خواهد داشت. فرجی و آقای‌پور (۱۳۸۴)، در تحقیقی با عنوان راهکارهای ارائه بیمه سپرده‌ها در ایران با اتکا به تجارب کشورهای دیگر، با روش تحلیلی توصیفی به بررسی بیمه سپرده و فواید آن در بانکداری گوناگون و به‌ویژه بانکداری خصوصی پرداخته‌اند. طبق نتایج به‌دست آمده با توجه به روند رو به گسترش بانکداری غیردولتی و به‌منظور ارتقای شفافیت بانک‌های دولتی لازم است نظام ضمانت سپرده‌ها در کشور پیاده شود.

ابراهیمی سالاری و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان بررسی مبانی فقهی بیمه سپرده‌های بانکی، به بررسی بیمه سپرده از منظر فقهی پرداخته‌اند. در این تحقیق ابتدا امکان تطبیق بیمه سپرده بر عقود معهوده شرعی مانند صلح ضمان و هبه و سپس به‌عنوان عقدی مستقل بررسی شده و اشکالات وارد بر آن مانند شبه ربا، شبه قمار و ... نیز پاسخ داده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نظام‌های بیمه سپرده می‌توانند به‌عنوان بخش مکمل شبکه ایمنی، به حفظ ثبات مالی کمک کنند و به نظر می‌رسد اشکالی بر بیمه سپرده به‌عنوان یکی از عقود معهوده شرعی مانند ضمان، هبه و صلح و همچنین به‌عنوان عقدی مستقل وارد نباشد.

دمیرگوچ کنت و دتراجیک<sup>۱</sup> (۲۰۰۰)، در تحقیقی با عنوان آیا بیمه سپرده ثبات سیستم بانکی را افزایش می‌دهد؟ بررسی براساس شواهد تجربی، بیمه سپرده را بررسی کردند. نتایج به‌دست آمده در این تحقیق از مطالعه ۶۱ کشور بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷ نشان می‌دهد که بیمه سپرده در محیط‌های

<sup>۱</sup> Demirgüç-Kunt & Detragiache



نهادی و سازمانی ضعیف که نظارت کم و مقررات‌زدایی حاکم است یا از سوی دولت به‌جای بخش خصوصی تأمین مالی می‌گردد، باعث افزایش بحران بانکی می‌شود.

امت و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۸)، در تحقیقی با عنوان نظم بازار و بیمه سپرده: براساس شواهد برخی بانک‌های خاورمیانه، ضمانت سپرده‌ها را بررسی کردند. این تحقیق به اهمیت بسیار توسعه مالی از طریق بیمه سپرده اشاره می‌کند که رشد اقتصادی را از طریق کاهش هزینه اطلاعات، بهبود معاملات، تسهیل بسیج کارآمدتر پس‌انداز و تأمین نقدینگی را در پی خواهد داشت.

اسچیک<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ای با موضوع آشفستگی مالی، به بررسی بیمه سپرده پرداخت. نتایج این تحقیق براساس شواهد سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که از یک طرف بیمه سپرده به‌ویژه در نهادهایی با نظارت و کنترل ضعیف، باعث افزایش خطر ریسک‌پذیری بانک‌ها می‌شود و از طرف دیگر، اعتماد سپرده‌گذاران به نظام بانکی افزایش می‌یابد که این خود ثبات مالی را در پی خواهد. در نهایت این تحقیق به بررسی راه‌های جلوگیری از مخاطرات اخلاقی می‌پردازد.

کم‌هون‌چو<sup>۳</sup> (۲۰۱۱)، در تحقیقی با عنوان بیمه سپرده و ثبات بانکی، به تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از ۵۲ کشور بین دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر چه پوشش بیمه سپرده بیشتر باشد، با توجه به بروز مخاطرات اخلاقی برای سپرده‌گذاران و بانک‌ها، احتمال بروز بحران به‌ویژه در نهادهای مالی ضعیف نیز بیشتر می‌شود.

درباره ضرورت اجرایی‌سازی ضمانت سپرده‌ها و اهمیت این سیستم در ارتقا نظم بازار مالی و جلوگیری از به‌وجود آمدن آثار نامطلوب ناشی از ورشکستگی بانک‌ها، مطالعات گوناگونی صورت گرفته است. اما نکته قابل تأملی که در اکثر تحقیق‌ها به چشم می‌خورد، پیامدهای ناگوار حاصل از پیاده‌سازی این سیستم در محیطی با نظارت و کنترل ناکافی و عدم وجود زیرساخت‌ها و قوانین مناسب در کنترل فعالیت‌های ریسکی بانک‌ها است. این نتایج بیشتر در مطالعات خارجی دیده می‌شود و گویای این نکته است که با توجه به اجرایی شدن این سیستم در این کشورها از مدت‌ها قبل، نقاط قوت و ضعف این سیستم را دریافته‌اند؛ لذا لازم است برای اجرایی‌شدن کارآمد و سازمان‌یافته این سیستم، از این تحقیق‌ها بهره گرفته شود.

<sup>1</sup> Omet et al.

<sup>2</sup> Schich

<sup>3</sup> Kam Hon Chu

## روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف بنیادی، کاربردی و عملی است، زیرا اولاً بحث کاملاً جدیدی را در ایران مطرح می‌کند و قصد دارد روابط بین ضمانت سپرده‌ها و بانکداری اسلامی و ربوی را از دیدگاه تضمین سپرده‌ها بررسی کند و از طرف دیگر، درصدد این است که تحلیل کند آیا این سیستم در نظام بانکداری ایران کاربردی است؟ همچنین قصد دارد تا مشکلات، بحث‌ها و انتقادات مطرح در خصوص ضرورت این سیستم در بانکداری ایران را از منظر اسلامی و ربوی بودن مورد چالش قرار دهد. در نتیجه این تحقیق بر آن است تا با روش کتابخانه‌های یا اسنادی، اطلاعات مورد نظر را جمع‌آوری کرده و سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و تحلیل محتوای مطالب بپردازد.

## تجزیه و تحلیل سیستم بانکداری اسلامی و ربوی از منظر ضرورت وجود بیمه سپرده و تطابق آن با نظام بانکداری ایران

### الف- بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی بر تقسیم ریسک، داد و ستد فیزیکی کالا، درگیری مستقیم با تجارت و کار با استفاده از عقود مختلف شرعی استوار است. سود در اسلام پاداش نام دارد و فعالیت‌های مبتنی بر تقسیم ریسک و استفاده از منابع برای افزایش ارزش سرمایه مجاز شمرده شده است. معاملات مالی مجاز از سوی شریعت اسلامی باید مبتنی بر ارائه کالا، خدمات و منافع باشد. این سیاست برای برخورد و تعامل بهتر سیاست‌های پولی و مالی و ایجاد نظم بیشتر مورد توجه قرار دارد. افزون بر این، اسلام اجازه دارایی و حق عمری و رقبی و دریافت اجاره‌بها را مجاز دانسته است (علی‌نژاد، ۱۳۸۸). بر این اساس، در بانکداری اسلامی سپرده‌گذار، سپرده‌اش را نزد بانک می‌گذارد و بانک را طبق قراردادی وکیل می‌کند تا از آن در معاملات استفاده کند. سود حاصل از این معاملات متعلق به سرمایه‌گذار است و بانک فقط حق الوکاله دریافت می‌کند (به جز حساب قرض الحسنه که بانک هر سودی را که به دست می‌آورد متعلق به بانک می‌شود نه قرض‌دهنده).

حال به بررسی ضمانت سپرده‌ها در بانکداری اسلامی می‌پردازیم و این پرسش را مطرح می‌کنیم که آیا بانکداری اسلامی به ضمانت (بیمه) سپرده نیازمند است؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است به چند نکته توجه کنیم.

نکته اول اینکه، همان‌طور که اشاره کردیم بانک‌های اسلامی بهره یا ربا دریافت نمی‌کنند و در حقیقت نه زمانی که سپرده‌گذار سپرده‌هایش را نزد بانک قرار می‌دهد نرخ سودی به او می‌پردازند و نه زمانی که بانک قصد ارائه تسهیلات داشته باشد نرخ بهره‌ای برای آن تعیین می‌کنند؛ در نتیجه منفعتی

از اصل سرمایه و بدهی وجود ندارد. از آنجایی که هیچ سودی رد و بدل نمی‌شود، بانک‌ها هم انگیزه‌ای برای فعالیت‌هایی براساس سود کاذب نخواهند داشت و می‌توانند با مدیریت درست نقدینگی در هر زمانی، درخواست سپرده‌گذار را مبنی بر دریافت سپرده‌هایشان پاسخگو باشند.

نکته دومی که باید مدنظر قرار گیرد این است که در این حالت بانک‌ها وجوه حساب سرمایه‌گذاری را به وکالت از صاحبان سپرده در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله به کار می‌گیرند. بانک‌ها بازپرداخت اصل سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و منافع حاصل از عملیات مذکور را طبق قرارداد، متناسب با مدت و مبلغ سپرده، با رعایت سهم منابع بانک، پس از کسر هزینه‌ها و حق الوکاله (براساس ماده ۶۷۶ قانون مدنی بانک مستحق دریافت حق الوکاله است)، بین صاحبان سپرده‌ها تقسیم می‌کنند (موسویان، ۱۳۸۵). در نتیجه سود در این حالت، به صورت تعیین نشده از قبل و فعالیت‌های اقتصادی به صورت مشارکتی است؛ لذا به دلیل اینکه سپرده‌گذار هم در فعالیت بانکی مشارکت دارد و مسئولیت سپرده‌های او با خود فرد است و همچنین بانک‌ها انگیزه‌ای برای فعالیت‌های با سود کاذب ندارند (مانند فعالیت‌های ربوی و کسب سود براساس نرخ بهره مازاد)، این عوامل باعث می‌شوند زمینه وجود ضمانت سپرده‌ها در بانکداری اسلامی کمرنگ شود.

نکته سوم، به تسهیم ریسک برمی‌گردد. در بانکداری اسلامی سه گروه سپرده‌گذار، بانک و سرمایه‌گذار در فعالیت‌های اقتصادی شرکت دارند، در نتیجه اگر ریسکی متوجه فعالیت‌های اقتصادی باشد، باعث تقسیم ریسک بین این سه گروه می‌شود که این خود باعث سرشکن شدن ریسک شده و ریسک کاهش می‌یابد. در حالی که در بانکداری متعارف این گونه نیست و سرمایه‌گذار از دستیابی به یک نرخ بهره از پیش تعیین شده توسط بانک مطمئن است. در حقیقت مشارکت سپرده‌گذار، بانک و سرمایه‌گذار در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری سبب می‌شود در صورت احتمال بروز مشکل برای سپرده‌ها، این ریسک به دلیل مشارکتی بودن فعالیت انجام شده، بین آن‌ها تقسیم شود و به نوعی ریسک در این حالت نسبت به حالت ربوی که متوجه بانک است، تقلیل یابد (مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۷۳). بنابراین، در این بانکداری نسبت به حالت ربوی به دلیل تقلیل و تقسیم ریسک، وجود سیستم ضمانت سپرده‌ها کمتر احساس می‌شود.

نکته چهارم را می‌توان در بحث مشارکتی بودن فعالیت‌های بانکی جستجو کرد. در عقود مشارکتی، ارتباط میان بانک و سپرده‌گذار، براساس تسهیم بودن سپرده‌گذار در منافع ناشی از فعالیت‌های تجاری و مالی شکل می‌گیرد. در این عقود به جای دریافت نرخ ثابت از تسهیلات‌گیرندگان، در سود و زیان

معاملات تجاری با سرمایه‌گذاران شریک می‌شوند و سهم سودشان را با سرمایه‌گذارانی که در بانک سپرده‌گذاری کرده‌اند، تقسیم می‌کنند (شهنازی و پناهی، ۱۳۹۵). لذا، در بانکداری اسلامی زمانی که سپرده‌گذار سرمایه‌اش را برای سرمایه‌گذاری در بانک قرار می‌دهد، به دلیل درگیر بودن منافع شخص، ارتباط بین سپرده‌گذار و سرمایه‌اش در فعالیت اقتصادی حفظ خواهد شد و سپرده‌گذار برای سوددهی سپرده‌هایش در فعالیت مشارکتی مورد نظر با بانک، نظارت و کنترل خود را بر عملکرد بانک و فعالیت سرمایه‌گذاری مورد نظر حفظ خواهد کرد. به عبارت دیگر، سپرده‌گذار برای منفعت بردن از سرمایه‌اش، بانک را تحت نظارت خود قرار می‌دهد و مانع سرمایه‌گذاری بانک در فعالیت‌های با ریسک بالا می‌شود که احتمال شکستش زیاد است. همچنین بانکداری بدون ربا به دلیل آنکه بانک وکیل سپرده‌گذاران است، سپرده‌های آنان را براساس یکی از عقود اسلامی به جریان می‌اندازد و در مراحل مختلف پرداخت تسهیلات به سرمایه‌گذاران و شرکای بانک، بر کار آنها نظارت دارد؛ به همین سبب، منابع به سمت فعالیت‌های زیربنایی و مولد هدایت می‌شوند (سهیلی، ۱۳۸۷). در نتیجه هنگامی که نظارت شخص بر سپرده‌هایش باقی بماند، ضرورتی برای وجود سیستمی دیگر مانند سیستم ضمانت سپرده‌ها دیده نمی‌شود و نیاز به این کمتر احساس می‌شود.

نکته پنجم که در بانکداری اسلامی نمود پیدا می‌کند، بحث بازگشت‌پذیری سود سپرده است. بانک‌های اسلامی، پول‌های مشتریان خود را بدون تعهد مستقیم یا غیرمستقیم به پرداخت سود ثابت به سپرده‌های آنها دریافت می‌کنند. اما بازپرداخت اصل سپرده را به هنگام درخواست مشتری تضمین می‌کنند. در بانکداری بدون ربا به دلیل آنکه سپرده‌گذار به بانک وکالت می‌دهد تا از سوی وی با سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی سودی برای او کسب کند، ریسک عدم تحقق سود مورد انتظار به سپرده‌گذار منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، بانک‌های بدون ربا به دلیل اینکه سودی از پیش تعیین شده ندارند، در صورت عدم تحقق پیش‌بینی سود مورد انتظار، متضرر نخواهند شد و همه زیان به سپرده‌گذار باز می‌گردد (مهدوی نجم آبادی، ۱۳۸۱). در حقیقت زمانی که سپرده‌گذار پولش را نزد بانک مورد نظر برای سرمایه‌گذاری قرار می‌دهد، بانک‌های اسلامی براساس عقود شرعی مانند مضاربه و مرابحه و غیره فقط حق الوکاله یا کارمزد می‌گیرند و این سپرده‌گذاران هستند که با سپرده‌هایشان در سرمایه‌گذاری نقش ایفا می‌کنند و بانک فقط این فرایند را تسهیل می‌کند. بنابراین، با توجه به اینکه سود در بانکداری اسلامی از قبل تعیین نشده است و تضمینی برای بازپرداخت آن نیست، لذا ضرورتی برای تضمین سودی که نامعلوم است وجود ندارد.

بنابراین براساس مطالب فوق، می‌توان گفت چنانچه بانکداری اسلامی بر کشور حاکم باشد، نیاز به سیستم ضمانت سپرده‌ها کاهش می‌یابد. البته این تحقیق درصدد رد کامل ضمانت سپرده‌ها برای بانکداری اسلامی نیست بلکه مدعی است که ضرورت ضمانت سپرده‌ها در بانکداری اسلامی کمتر نمود پیدا می‌کند و نمی‌توان گفت که ضرورت وجود ضمانت سپرده‌ها برای نظام بانکداری اسلامی کاملاً منتفی است، بلکه بستگی به شرایط نظام بانکداری و اقتصادی آن کشور دارد. اما به‌طور قطع می‌توان عنوان کرد که ریسک در بانکداری اسلامی به مراتب کمتر از بانکداری ربوی است؛ در نتیجه لزوم وجود سیستم ضمانت سپرده‌ها برای بانکداری اسلامی بسیار کمتر از حالت متعارف است. از طرفی، ضمانت سپرده‌ها از نظر شرعی نیز تأیید شده است. براساس تحقیق سالاری و همکاران (۱۳۹۲)، مشروعیت بیمه سپرده از نظر فقهی تأیید شده و آن را فاقد مواردی مانند ربا، غرر، قمار، سهفی و غیره می‌داند و معتقد است بیمه سپرده عقدی مستقل از سایر عقود مانند هبه، ضمان و صلح است.

### ب- بانکداری ربوی

در بانکداری ربوی، اساس فعالیت‌های بانکی بر مبنای بهره استوار است؛ بدین شکل که بانک‌ها از یک طرف با پرداخت بهره سپرده‌های اشخاص را جذب می‌کنند و از طرف دیگر، با اعطای تسهیلات و اعتبار به اشخاص حقیقی و حقوقی از آن‌ها بهره دریافت می‌کنند. مابه‌التفاوت بین بهره‌های دریافتی بانک از سرمایه‌گذاران و بهره‌های پرداختی آن‌ها به سپرده‌گذاران، پس از کسر هزینه‌های عملیاتی بانک، سود بانک‌ها را تشکیل می‌دهد. بنابراین، بانک‌های تجاری و تخصصی به‌دنبال حداکثرسازی سود خود هستند (سهیلی، ۱۳۸۷). در بانکداری متعارف، زمانی که سپرده‌گذاران سپرده‌ها را در بانک قرار می‌دهند، از سرنوشت آن هیچ اطلاعی ندارند و هیچ نقشی در قبال فعالیت‌هایی که در آن بانک با سپرده انجام می‌دهد، ندارند و حاصل این فعالیت‌ها چه سود باشد چه زیان، بانک متعهد است در هر زمانی که سپرده‌گذار سپرده‌هایش را طلب کرد اصل و سود آن را به سپرده‌گذاران بپردازد. در این حالت رابطه بین سپرده‌گذار و بانک به‌صورت داین و مدیون است. همچنین درخصوص تسهیلاتی که بانک‌ها پرداخت می‌کنند می‌توان عنوان کرد که اعطای تسهیلات توسط این بانک‌ها منجر به انتقال مالکیت تسهیلات اعطا شده از بانک به سپرده‌گذار می‌شود و بانک هیچ مسئولیتی درخصوص نحوه استفاده از این تسهیلات ندارد؛ چه سود باشد برای تسهیلات‌گیرنده و چه زیان، بانک درصدد دریافت تسهیلات اعطا شده به مشتری به‌همراه بهره حاصل از آن است. همچنین تسهیلات‌گیرنده متعهد می‌شود

اصل و بهره تسهیلات دریافتی را به بانک برگرداند. در این حالت، سود و زیان بانک و سپرده‌گذاران و بنگاه از یکدیگر مجزاست و هیچ یک از آن‌ها در قبال سود و زیان دیگری هیچ مسئولیتی ندارد. در این بخش نیز این پرسش مطرح می‌شود که آیا ضمانت (بیمه) سپرده برای بانکداری ربوی لازم است؟ برای پاسخ به این پرسش مانند بخش بانکداری اسلامی به بررسی چند نکته که می‌تواند به تفاوت بین این دو نوع بانکداری نیز بازگردد، می‌پردازیم. نخستین نکته، بحث مربوط به نرخ بهره است. بانک‌های ربوی به دلیل دریافت بهره از طریق ارائه تسهیلات، به سمت دادن تسهیلات و دریافت نرخ بهره و سود سوق پیدا می‌کنند و حجم عظیمی از منابع را از این طریق از بانک خارج می‌کنند. از آنجایی که دریافت بازپرداخت تسهیلات ارائه شده به مشتری زمان‌بر است، در صورت بروز مشکلی برای بانک مورد نظر و همچنین عدم مدیریت صحیح دارایی‌ها، بانک با کمبود نقدینگی مواجه و برای آن بانک دردسر ایجاد می‌شود (موسویان، ۱۳۸۴). در نتیجه وجود سیستم ضمانت سپرده‌ها برای جلوگیری از به وجود آمدن این شرایط با نظارت این سیستم بر فعالیت‌های بانکی و همچنین جبران کمبود نقدینگی آن‌ها در شرایط بحرانی، ضروری به نظر می‌رسد.

نکته دیگری که در این خصوص باید مدنظر داشت این است که زمانی که سپرده‌گذاران سپرده‌های خود را به بانک می‌سپارند از سرنوشت آن سپرده دیگر اطلاعی ندارند. در حقیقت برخلاف بانکداری اسلامی که سپرده‌گذاران سپرده‌هایشان را به صورت وکالت در بانک قرار می‌دهند و مالکیت سپرده‌ها از سپرده‌گذاران سلب نمی‌شود، در این حالت این‌گونه نیست و به صورت قرض سپرده‌های سپرده‌گذاران نزد بانک‌ها قرار می‌گیرد و مالکیت سپرده‌ها از سپرده‌گذاران به بانک منتقل می‌شود. به عبارت دیگر هم مصرف منابع و هم توزیع منابع عمدتاً بر مبنای عقد قرض یا در واقع بر مبنای تسهیلات صورت می‌گیرد. به عبارت کلی‌تر در هر دو زمینه رفتار این بانک‌ها براساس معامله مثل و مثل (معامله پول با پول یا سرمایه با سرمایه) به همراه مبلغ اضافی یا همان رباست (مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۸۱). در نتیجه، این شرایط باعث به وجود آمدن زمینه‌هایی برای پیاده‌سازی سیستم ضمانت سپرده‌ها می‌شود که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- با انتقال مالکیت سپرده‌ها از سپرده‌گذاران به بانک به واسطه قرض، سپرده‌گذار هیچ نقشی در سرنوشت آن سپرده ندارد و بانک در هر زمینه‌ای که قصد داشته باشد می‌تواند سرمایه‌گذاری کند. حال اگر این سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی با ریسک بالا و پرخطر باشد و منجر به شکست فعالیت سرمایه‌گذاری شود و در نتیجه سپرده‌های سپرده‌گذاران در این فعالیت بدون خواسته خودشان از بین برود؛ آیا مقصر سپرده‌گذار است که پولش را در بانک قرار داده و هیچ اطلاعی از

سرنوشت سپرده‌اش نداشته است؟ آیا بانک مورد نظر نباید کنترل شود که در فعالیت‌های ریسکی بالا سرمایه‌گذاری نکند؟ پاسخ به این پرسش‌ها و بحث عدالت اجتماعی نشان می‌دهد که وجود سیستمی نظام‌مند مانند ضمانت (بیمه) سپرده به‌منظور نظارت و کنترل فعالیت‌های ریسکی بانک‌ها و همچنین حمایت از سپرده‌گذاران که اکثراً از قشر نیازمند هستند و بدون خواسته خودشان وارد این فاجعه شده‌اند، ضروری و انکارناپذیر است.

۲- در این نوع بانکداری برخلاف بانکداری اسلامی، مشارکتی در انجام فعالیت‌های بانکی وجود ندارد و سود و زیان حاصل از این فعالیت‌ها به بانک برمی‌گردد. اینکه سپرده‌گذار در فعالیت‌های بانکی مشارکت نداشته باشد باعث خواهد شد از زمانی که پولش را نزد بانک قرار می‌دهد تا زمانی که مجدداً آن را از بانک طلب می‌کند هیچ کنترل و نظارتی بر سپرده‌اش نداشته باشد. عدم وجود نظارت و کنترل سپرده‌گذار بر بانک منجر به مخاطرات رفتاری خواهد شد و چراغ سبزی به بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های ریسکی به‌منظور به‌دست آوردن سود بیشتر خواهد داد. هر چه این نظارت و کنترل بر فعالیت بانکی کمتر باشد دست بانک‌ها را در انجام فعالیت‌های ریسکی بازتر خواهد گذاشت. از طرف دیگر، در بانکداری ربوی نوع فعالیت متقاضی تسهیلات برای بانک مهم نیست و همین که بانک از توانایی متقاضی تسهیلات در بازپرداخت اصل و فرع آن اطمینان حاصل کند و تضمین‌های لازم را دریافت نماید، تسهیلات اعطا می‌کند؛ حتی اگر متقاضی تسهیلات دریافتی را صرف امور غیرتولیدی و بعضاً مخرب مانند خرید و فروش ارز و طلا یا اختکار کالاهای ضروری کند و برای سودجویی خود سازوکار بازار را دچار اختلال کند (سهیلی، ۱۳۸۷). در نتیجه این شرایط ایجاد می‌کند که سیستمی مانند نهاد ضمانت (بیمه) سپرده‌ها به‌منظور کنترل و نظارت بر فعالیت‌های ریسکی بانک ایجاد گردد تا مانع از بروز مشکلات و پیامدهای ناگوار بعدی آن شود.

۳- در بانکداری ربوی برخلاف حالت اسلامی که سه گروه بانک، سپرده‌گذار و سرمایه‌گذار در فعالیت‌های اقتصادی شرکت داشتند و عملکرد آن‌ها به‌صورت مشارکتی بود، فقط دو گروه بانک و سرمایه‌گذار درگیرند و هیچ‌گونه فعالیت مشارکتی ندارند. در نتیجه در صورتی که ریسکی متوجه بانک باشد، برخلاف بانکداری اسلامی که تسهیم ریسک بین سه گروه صورت می‌گیرد و ریسک کاهش می‌یابد، در این حالت ریسک به‌صورت کامل متوجه بانک خواهد بود (مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۷۳). در نتیجه در صورت عدم کنترل فعالیت‌های بانکی توسط یک نهاد با همین وظیفه، به بروز پیامدهای ناگوار برای نظام بانکداری می‌انجامد و بنابراین ضرورت ضمانت سپرده‌ها مطابق این قسمت نیز آشکار می‌شود.

نکته آخر که باید به آن توجه کرد این است که در بانکداری ربوی برخلاف بانکداری اسلامی که بانک هیچ تضمینی درخصوص برگشت سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری شده نمی‌کند، در بانک متعارف زمانی که سپرده‌گذار پولش را نزد آن بانک قرار می‌دهد بانک متعهد می‌شود تحت هر شرایطی سود سپرده شخص را که از قبل هم تعیین شده است، به او بازگرداند. با این شرایط، در صورتی که برای بانک مشکلی به‌وجود آید و بانک نتواند تعهد خود را نسبت به سپرده‌گذاران به اجرا بگذارد، اطمینان سپرده‌گذاران به سیستم مالی از بین می‌رود و چه بسا این مشکل به‌صورت سیستماتیک به سایر بانک‌ها نیز سرایت می‌کند. در نتیجه وجود سیستم ضمانت سپرده‌ها برای حمایت از سپرده‌گذاران و حتی بانک‌ها ضروری است.

بنابراین براساس مطالب فوق، می‌توان گفت زمانی که بانکداری ربوی در یک کشور حاکم باشد، وجود ضمانت سپرده‌ها ضروری است.

### یافته‌های تحقیق

حدود سه دهه از تصویب قانون بانکداری بدون ربا در ایران می‌گذرد ولی شواهد نشان می‌دهد که این قانون چندان در بانکداری ایران عملی نشده است و آن‌طور که باید انتظارات یک نظام بانکداری اسلامی را فراهم نکرده و نیازمند تغییر و تحولات زیادی در رویه فعلی است. برآورده نکردن انتظارات بانکداری بدون ربا ناشی از ضعف‌های موجود در نظام بانکداری ایران نظیر این موارد است: عدم جدیت نهادهای مرتبط برای حذف نرخ بهره، گرایش بانک‌های کشور به سمت عقود مبادله‌ای به جای عقود مشارکتی، عدم نظارت و کنترل کافی بر بانک‌ها توسط دستگاه‌های ذی‌ربط، کم‌رنگ شدن نقش قرض‌الحسنه در این نظام، عدم استفاده از برخی عقود شرعی و پذیرفته شده اسلامی مانند استصناع، عدم استفاده کامل از ظرفیت عقود اسلامی مانند فروش اقساطی و جعاله، عدم فرهنگ‌سازی مناسب و آموزش کافی میان بانک‌ها و مشتریان در زمینه حذف ربا، وجود مشکلات موجود در شرایط ضمن عقد قراردادها، عدم تمایل به پذیرش ریسک سرمایه‌گذاری از طرف بانک و عدم مشارکت بانک در پروژه‌های سرمایه‌گذاری و همچنین وجود سود بالا و از قبل تعیین شده که باعث شده تا بانکداری ایران از بانکداری بدون ربا فاصله بگیرد و به بانکداری ربوی متمایل گردد.

افزون بر این، در بانکداری ایران صورتی شدن عقود مشارکتی و مبادله‌ای و در نتیجه ربوی و غیراسلامی شدن فعالیت‌های اجرایی بانک‌ها از دیگر مشکلات است. به‌گونه‌ای که در عقود مشارکتی، هیچ مشارکت واقعی شکل نمی‌گیرد و به‌صورت صورتی روابط طراحی می‌شود، یا در عقود



مبادله‌ای فاکتورسازی صوری جای مابه‌ازای واقعی را می‌گیرد (شهنازی و پناهی، ۱۳۹۵). همچنین، در اقتصاد ایران وجود نرخ‌های تورم دو رقمی از سال‌های گذشته، قدرت خرید پول را به سرعت کاهش داده است. در چنین فضایی بانک‌ها مجبور به پرداخت نرخ‌های سودی هستند که بازدهی واقعی مثبت داشته یا دست‌کم نرخ تورم اقتصاد را جبران کند. در حقیقت، پرداخت سودهای دو رقمی به مشتریان از سوی بانک‌ها از اینجا سرچشمه می‌گیرد؛ البته در بخش دیگر عملیات بانکی که اعطای تسهیلات بانکی به بنگاه‌ها است نیز همین بحث مصداق دارد، به این معنی که بانک‌ها به دریافت نرخ‌های دو رقمی برای پرداخت تسهیلات در قالب عقد‌های گوناگون به مشتریان خود اقدام می‌کنند که به علت جبران هزینه‌های مبادلاتی مانند: هزینه‌های سربار، ریسک وجود بدهی‌های معوقه بانک‌ها، ... و نیز تأمین حاشیه سود آن‌ها، چند درصدی از نرخ سود تسهیلات پرداختی به سپرده‌گذاران بالاتر است (سلیمی فر و ابوترابی، ۱۳۹۰). در بانکداری اسلامی سود از قبل تعیین نشده است و بستگی به فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط بانک و سپرده‌گذار دارد، ولی در بانکداری متعارف این‌گونه نیست و بانک‌ها می‌توانند سود را از قبل تعیین کنند.

**بانک‌های کشور به بهانه‌های مختلف، نرخ سودهای قطعی به سپرده‌گذاران پرداخت می‌کنند و** به روشنی مشهود است که با اعلام نرخ سود علی‌الحساب در اول دوره و اعطای همان نرخ به عنوان سود تحقق‌یافته، اعلام نرخ سود انتظاری و گرفتن همان نرخ به عنوان سهم بانک از متقاضی تسهیلات به انجام فعالیت‌های خود مبادرت می‌کنند. در نتیجه اعلام افزایش یا کاهش سود سپرده‌ها برای جذب سپرده یا ارائه تسهیلات توسط بانک‌های ایرانی خود گواهی بر تشابه این نظام بانکداری به نظام متعارف است.

نتایج تحقیق حسامی و همکارانش (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که در صنعت بانکداری ایران یک رابطه علی‌قوی از سمت نرخ سود سپرده‌ها به نرخ سود تسهیلات وجود دارد. این نتیجه از دیدگاه الگوی بانکداری متعارف که مبتنی بر تأمین منابع از بازار سپرده‌ها و سپس صرف آن در بازار تسهیلات با نرخ هزینه تمام شده پول به علاوه حاشیه سود بانک است، به درستی قابل انتظار است. لیکن با دیدگاه نظری بانکداری اسلامی که نرخ‌های سود علی‌الحساب تسهیلات را مبتنی بر بازدهی بخش واقعی اقتصاد می‌داند، همخوانی ندارد. چنانچه بانکداری اسلامی به معنای واقعی مشارکت در سود و زیان اجرا شود، تغییرات و تکانه‌های بازدهی بخش واقعی ابتدا به نرخ موثر تسهیلات منتقل می‌شود و پس از کسر هزینه‌های حق‌الوکاله بانک، نرخ سود سپرده‌ها را مؤثر خواهد نمود.

بر این اساس، می‌توان یکی از دلایل ضرورت وجود ضمانت (بیمه) سپرده در ایران را وجود نرخ بهره در بانکداری ایران و شباهت این نظام به حالت متعارف جستجو کرد. وجود نرخ بهره در نظام بانکی سبب خواهد شد از یک طرف بانک‌ها برای جذب سپرده بیشتر و ارتقای توانایی رقابت با سایر بانک‌ها اقدام به ارائه نرخ سودهای بالاتری نسبت به سایر بانک‌ها کنند و از طرف دیگر برای به‌دست آوردن سود بیشتر اقدام به ارائه تسهیلات بانکی طولانی مدت‌تر با نرخ سود بیشتری کنند که باعث برون‌رفت دارایی‌های بانک خواهد شد. در صورت عدم مدیریت دارایی‌های بانک، بروز مشکلی کوچک برای بانک و تعلق در پرداخت سپرده‌های درخواستی تعدادی از سپرده‌گذاران کافی خواهد بود تا اطمینان سپرده‌گذاران از این بانک برداشته شود و به سمت آن هجوم بیاورند و مشکلات فراوانی را برای آن بانک پدید آورند. در نتیجه وجود ضمانت سپرده‌ها در ایران به‌منظور حمایت از سپرده‌های سپرده‌گذاران و نظارت بر فعالیت‌های مربوط به نرخ سود بانکی در جذب سپرده و ارائه تسهیلات بانکی به مشتریان امری ضروری است.

تفاوت دیگری که می‌توان به کمک آن بانکداری اسلامی و متعارف را تمییز داد، بحث قراردادهای و تجهیز و تخصیص منابع است. در بانکداری اسلامی عقودمانند مضاربه، مرابحه، بیع، سلف و ... وجود دارد که در بانکداری متعارف وجود ندارد. همچنین فعالیت‌های سفته‌بازی مانند اوراق قرضه در بانکداری متعارف اجرایی می‌شود که در بانکداری اسلامی یا استفاده نمی‌شود یا تغییر شکل داده است. درخصوص ایران نیز می‌توان بیان کرد که اگر چه فعالیت‌های قرض‌الحسنه که جزء بدنه اصلی فعالیت‌های بانک‌های اسلامی است، اما به‌صورت قابل قبولی در ایران انجام نمی‌شود و کارکرد کمی دارد. درخصوص سایر عقود هم باید اشاره کرد که هر چند در قانون بانکداری ایران این عقود وارد شده‌اند، اما حقیقت این است که یا استفاده نمی‌شوند و از تمامی ظرفیت‌های آن‌ها کمک گرفته نمی‌شود یا به‌شکل صوری انجام می‌پذیرند. افزون بر این موارد، به‌دلیل عدم توانایی پاسخگویی نیازهای مشتریان توسط عقود موجود در بانکداری ایران، پیچیدگی آئین‌نامه‌ها و قوانین بانکی مربوط به این عقود، عدم نظارت کافی و مؤثر از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط، عدم حساسیت و دانش کافی هم از ناحیه سپرده‌گذار و هم از ناحیه بانک‌ها درخصوص فعالیت‌های ربوی بانک‌ها، منجر به صوری شدن عقود بانکی شده است. بر این اساس، هر چند در قانون بانکداری ایران، عقود اسلامی تعبیه شده است، اما حقیقت امر این است که این عقود تنها جنبه نمایشی دارد و صوری هستند.<sup>۱</sup> این شرایط باعث می‌شود تا بانک‌های ایرانی برای پاسخگویی به نیاز مشتریان اقدام به فعالیت‌هایی با نرخ سود

<sup>۱</sup> در این بخش از تحقیقات بانک ملی نیز استفاده شده است (<https://bmi.ir/Fa/DynamicPage.aspx?id=160>).

یا همان نرخ بهره بالا کنند. با وجود این، می‌توان عنوان کرد که بانک‌های ایرانی اگر چه به‌طور کامل شبیه بانکداری متعارف نیستند و برخی قراردادهای بانک‌های متعارف را اجرایی نمی‌کنند، اما به‌دلیل صوری بودن عقود و انجام فعالیت‌های ربوی در ارائه تسهیلات و جذب سپرده، شباهت فراوانی با این نوع بانکداری دارند.

تفاوت مشهود دیگر بین بانکداری اسلامی و متعارف، بحث مشارکتی بودن فعالیت‌های اقتصادی و سود و زیان حاصل از آن است. نظام بانکداری ایران در این زمینه نیز تقریباً شبیه بانکداری ربوی است. یکی از مشکل‌ها و چالش‌های پیش روی بانکداری ایران، گرایش کم نظام بانکی به استفاده از عقود مشارکت محور بوده است و اگر چه یکی از هدف‌ها این بود که فعالیت‌های بانکداری اسلامی به سمت استفاده از عقود مشارکتی مانند مضاربه و مشارکت سوق داده شود، اما در عمل و پس از گذر زمان، مشاهده‌های به‌دست آمده نشان دادند که بانک‌ها بیشتر مایل هستند از عقود با بازدهی ثابت و از پیش تعیین شده و کوتاه‌مدت‌تر فروش اقساطی استفاده کنند. از طرف دیگر، بسیاری از صاحب‌نظران پولی و مالی اسلامی شاخصه عملکرد اسلامی بانک را استفاده گسترده آن از عقود مشارکتی و به اصطلاح مشارکت در سود و زیان مراجعین خود می‌دانند و باور دارند که هر چه سهم عقود مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و قرض‌الحسنه بیشتر باشد، به حقیقت بانکداری اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم و برعکس، هر چه سهم آن‌ها کمتر شود، نظام بانکی به سمت ربوی بودن سوق می‌یابد. در حقیقت عمده نگرانی از این امر ناشی می‌شود که استفاده فراگیر از عقود با بازدهی ثابت با روح کلی حاکم بر آموزه‌های اسلامی همخوانی ندارند (احمدی حاجی‌آبادی و بهاروندی، ۱۳۸۹). اگر چه تا حدودی شاید از برخی عقود مانند مضاربه یا مرابحه برای فعالیت‌های اقتصادی، سپرده‌گذار هم دخیل باشد، اما واقعیت امر این است که این فعالیت‌ها در ایران بسیار محدود و اندک هستند. اکثر سپرده‌گذاران ایرانی زمانی که سپرده‌هایشان را نزد بانک قرار می‌دهند از آن لحظه دیگر هیچ اطلاعی از نحوه استفاده از سپرده‌هایشان ندارند. این شرایط باعث می‌شود که بانکداری ایران بیشتر به حالت متعارف شباهت پیدا کند تا اسلامی. بنابراین، با وجود این شرایط در بانکداری ایران لازم است به دو نکته توجه شود.

نخستین نکته همان‌طور که پیشتر گفته شد این است که سپرده‌گذار از نحوه استفاده از سپرده‌اش توسط بانک هیچ‌گونه اطلاعی ندارد و اگر بانک در فعالیتی سرمایه‌گذاری کند که منجر به شکست آن پروژه شود و سپرده‌های افراد از دست برود، سپرده‌گذار به‌دلیل اینکه بدون هیچ دخالتی سپرده‌هایش از دست رفته است و دیگر دسترسی به آن ندارد، اطمینانش را نسبت به بانک یا مؤسسات مالی از دست

می‌دهد. در نتیجه وجود یک سیستم نظارتی و حمایتی مانند سیستم ضمانت سپرده‌ها به منظور حمایت از سپرده‌گذاران و همچنین نظارت بر فعالیت‌های بانکی در جهت کنترل فعالیت‌های ریسکی بالای بانک‌ها به روشنی مشهود است.

نکته دیگر در این زمینه به بحث نظارت سپرده‌گذار بر فعالیت‌های بانکی اشاره دارد. در بانکداری ایران همانند بانکداری متعارف پس از قرارداد سپرده‌ها توسط سپرده‌گذار نزد بانک، نظارت فرد بر سپرده‌هایش قطع می‌شود. در حقیقت سپرده‌گذار مالکیتش را نسبت به سپرده‌اش به بانک منتقل می‌کند و به او قرض می‌دهد. لذا در این حالت برعکس بانکداری اسلامی که به دلیل مشارکتی بودن فعالیت‌های اقتصادی سپرده‌گذار تا آخرین لحظه بر سپرده‌اش نظارت دارد، نظارت بر فعالیت‌های بانکی از جانب سپرده‌گذار قطع می‌شود و اگر نظارتی هم باشد به دلیل محدود بودن عقود مشارکتی اندک خواهد بود. همچنین به علت پیچیدگی‌های موجود در فعالیت‌های بانکی در نظام فعلی، امکان نظارت مؤثر بر نهادهای بانکی و پولی، اعمال مقررات احتیاطی متفاوت به تناسب فعالیت‌های مختلف بانک‌ها و همچنین نظارت بر اجرای دقیق عقود اسلامی توسط بانک‌ها، برای بانک مرکزی فراهم نیست (میثمی و موسویان). لذا با وجود این شرایط، ضرورت ضمانت سپرده‌ها برای نظام بانکداری ایران به منظور کنترل و نظارت فعالیت‌های بانکی امری ضروری است.

بحث دیگری که ضرورت ضمانت سپرده‌ها را برای نظام بانکداری ایران روشن می‌کند، موضوع ریسک و مدیریت آن است. به دلیل عدم مشارکتی بودن فعالیت‌های اقتصادی بانک‌های ایران و عدم نظارت سپرده‌گذاران بر فعالیت بانکی، بانک‌ها بدون هیچ کنترلی از جانب سپرده‌گذاران دست به هرگونه فعالیتی برای به دست آوردن سود می‌زنند و چه بسا فعالیتی که در آن سرمایه‌گذاری می‌شود دارای ریسک بالا باشد و با شکست پروژه سرمایه‌گذاری شده برای بانک و سپرده‌گذاران مشکل ایجاد کند. در نتیجه وجود سیستم ضمانت سپرده‌ها برای بانکداری ایران به منظور جلوگیری از فعالیت خودسرانه و بدون نظارت بانک‌ها در پروژه‌های با ریسک بالا و پرخطر روشن می‌شود.

بنابراین، براساس مطالب فوق، نظام بانکداری ایران نیازمند سیستم ضمانت سپرده‌ها است. از طرفی، براساس ماده چهار قانون بانکداری بدون ربا (مبنی بر اینکه بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) هستند و می‌توانند اصل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد یا بیمه نمایند)، می‌توان ضمانت سپرده‌ها را فرایندی مطلوب در این راستا دانست و با تضمین سپرده‌های افراد هم از سپرده‌گذار حمایت شود و هم بانک‌ها در بستری مناسب و تحت نظارت و کنترل حرکت کنند تا از پیامدهای ناگوار اقتصادی جلوگیری به عمل آید.

## بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌ها، فعالیت‌های بانکی بانکداری متعارف برخلاف بانکداری اسلامی بر پایه نرخ بهره و ربا صورت می‌گیرد. وجود نرخ بهره باعث می‌شود که بانک‌ها برای به‌دست آوردن سود بیشتر به سمت ارائه تسهیلات بلندمدت که سبب برون‌رفت منابع بانکی می‌شود، سوق پیدا کنند. در صورت عدم مدیریت صحیح در ارائه تسهیلات توسط بانک‌های ربوی، با بروز مشکلی برای بانک، این احتمال می‌رود که نقدینگی بانک جوابگوی درخواست مشتریان نباشد و برای آن بانک مشکل‌آفرینی کند. همچنین در بانکداری متعارف به دلیل عدم مشارکت سپرده‌گذار در فعالیت‌های بانکی، اولاً سپرده‌گذار هیچ نظارتی بر سپرده‌هایش پس از قراردادن آن نزد بانک ندارد و دست بانک‌ها را در سرمایه‌گذاری باز می‌گذارد. این آزادی عمل برای بانک‌ها باعث خواهد شد که بانک‌ها به منظور دستیابی به سود بیشتر اقدام به فعالیت‌های با ریسک بالا و پرخطر کنند و با شکست طرح مورد نظر مشکلاتی را برای سپرده‌گذاران و بانک ایجاد کنند. ثانیاً در بانکداری ربوی، عدم مشارکت سپرده‌گذار در سرمایه‌گذاری باعث خواهد شد تا برخلاف بانکداری اسلامی که تسهیم ریسک صورت می‌گیرد، تمامی ریسک‌های موجود متوجه بانک موردنظر باشد که در صورت وجود بی‌ثباتی مالی، بانکداری متعارف نسبت به بانکداری اسلامی ریسک بیشتری را دارد.

همچنین در بانکداری اسلامی هیچ تعهدی مبنی بر بازگشت سود سپرده حاصل از آن به سپرده‌گذار داده نمی‌شود و نتیجه فعالیت اقتصادی چه سود باشد، چه زیان، تمامی پیامدها متوجه سپرده‌گذار خواهد بود. اما در بانکداری متعارف، سود و زیان بانک و سپرده‌گذار از یکدیگر مجزا است و هنگامی که سپرده‌گذار سپرده‌اش را نزد بانک قرار می‌دهد برخلاف حالت بانکداری اسلامی، مالکیت سپرده‌ها از سپرده‌گذار به بانک منتقل می‌شود و در حقیقت ماهیتی قرضی دارد. لذا بانک‌های ربوی متعهد به بازپرداخت اصل سپرده به سپرده‌گذار می‌شوند. حال اگر بی‌ثباتی مالی رخ دهد و برای بانک مشکلی پیش آید در صورت عدم توانایی بازپرداخت سپرده‌ها از سوی بانک و با توجه به تعهدی که به بازپرداخت آن داده است، اعتماد سپرده‌گذاران نسبت به نظام بانکی از بین خواهد رفت و چه بسا این معضل به صورت سیستماتیک به سایر بانک‌ها نیز سرایت کند. در نتیجه، وجود سیستم ضمانت سپرده‌ها برای نظام بانکداری متعارف نسبت به نظام بانکداری اسلامی اجتناب‌ناپذیر است، در حالی که وجود این سیستم در نظام بانکداری اسلامی نسبت به متعارف چندان ضروری به نظر نمی‌رسد. همچنین، با بررسی نتایج به‌دست آمده می‌توان دریافت که نظام بانکداری ایران به حالت متعارف بیشتر شباهت دارد تا اسلامی. زیرا از یک سو، با وجود اینکه نرخ بهره در بانکداری ایران ممنوع

است، اما امروزه این بحث به شکلی دیگر و به صورت نرخ سود بانکی وارد بانکداری ایران شده است و کارکردی مشابه نرخ بهره بانک‌های ربوی دارد. از سوی دیگر، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی توسط سپرده‌گذار با بانک بسیار محدود و اندک است و درحقیقت در بانکداری ایران قراردادن سپرده نزد بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری، برخلاف بانک‌های اسلامی که ماهیتی وکالتی دارند، همانند بانک‌های ربوی ماهیتی قرضی داشته و سود و زیان سپرده‌گذار و بانک از یکدیگر مجزاست. در نتیجه این شرایط باعث خواهد شد تا اولاً نظارت سپرده‌گذار به سپرده‌هایش تقلیل یابد و ثانیاً اگر ریسکی متوجه نظام بانکداری باشد، برخلاف حالت اسلامی که تسهیم ریسک صورت می‌گیرد، این ریسک به‌طور کامل متوجه بانک باشد. همچنین اگرچه عقود اسلامی در بانکداری ایران گنجانده شده، اما حقیقت این است که یا از این عقود استفاده نمی‌شود یا به صورت محدود استفاده می‌شود یا شکلی صوری به خود گرفته است. در نتیجه تمامی این شرایط باعث می‌شود تا بانکداری ایران از لحاظ عملکرد به حالت متعارف شباهت بیشتری داشته باشد تا حالت اسلامی.

در نهایت باید عنوان کرد که نظام بانکداری ایران به دلیل وجود نرخ سود بانکی بالا (نرخ بهره)، محدود بودن مشارکت سپرده‌گذاران در فعالیت‌های اقتصادی به همراه بانک، وجود ریسک بالا برای نظام بانکداری ایران به دلیل عدم تسهیم ریسک، صوری بودن عقود اسلامی، عدم نظارت سپرده‌گذار بر فعالیت‌های بانکی به دلیل وجود داشتن ماهیت قرضی سپرده‌های مدت‌دار به جای داشتن ماهیت وکالتی و همچنین مجزا بودن سود و زیان بانک و سپرده‌گذار، نیازمند سیستمی سازمان‌یافته مانند سیستم ضمانت سپرده‌ها به منظور نظارت و کنترل فعالیت‌های بانکی و همچنین حمایت از سپرده‌گذاران است. در نتیجه وجود سیستم ضمانت (بیمه) سپرده‌ها برای نظام بانکداری ایران ضروری است.

## منابع و مأخذ الف. منابع فارسی

- ابراهیمی سالاری، تقی، گریوانی، فاطمه، کریم‌پور فاطمه و وکیل، منصوره، (۱۳۹۲): *بررسی مبانی فقهی بیمه سپرده‌های بانکی*، اولین همایش ملی سرمایه‌گذاری و تولید ملی.
- احمدی حاجی‌آبادی، سیدروح‌الله و بهاروندی، احمد، تابستان (۱۳۸۹): *راهکارهای اجرای صحیح عقود مشارکتی در نظام بانکی ایران*، فصل‌نامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱۱۹-۱۴۶.
- حسامی، عزیزی، باقر، محنت‌فر، یوسف و جعفری، اکبر، تابستان (۱۳۹۵): *رابطه میان نرخ مؤثر سود تسهیلات و سود سپرده‌ها*، با تأکید بر نقش بانک مرکزی، فصل‌نامه پژوهش‌های پولی-بانکی، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۱۹۹-۲۲۱.
- خادمعلی، منصور، دی (۱۳۸۳): *بیمه سپرده و ضرورت شکل‌گیری آن در سیستم بانکی کشور*، تازه‌های جهان بیمه، شماره ۷۹، صص ۳۲-۴۵.
- سلیمی‌فر، مصطفی و ابوترابی، محمدعلی، تابستان (۱۳۹۰): *مدل جدید تجهیز و تخصیص منابع بانکی با رویکرد تعدیل نقش پول*، فصل‌نامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۸۱-۲۰۸.
- سهیلی، کیومرث، پاییز و زمستان (۱۳۸۷): *مقایسه نظری کارایی بانکداری غیربوی و ربوی در تجهیز و تخصیص منابع*، مطالعات اقتصاد اسلامی، سال اول، شماره اول، صص ۱۱۳-۱۳۸.
- شهنازی، روح‌اله و پناهی، مجتبی، *سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز*، فصل‌نامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۵- صفحات ۲۰۲-۱۷۵.

شیخانی، سعید، زمستان (۱۳۸۱): **سیستم بیمه سپرده‌ها: ابزاری در جهت توسعه بانکداری غیردولتی در جمهوری اسلامی ایران**، انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، چاپ اول.

طالبلو، رضا، زمستان (۱۳۹۰): **قیمت‌گذاری بیمه سپرده‌ها در بانک‌های خصوصی ایران (مورد مطالعه بانک‌های پارسیان، اقتصاد نوین و کارآفرین)**، پژوهش‌نامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره چهارم، صص ۷۵-۹۸.

علی نژاد، بهزاد، مهر (۱۳۸۸): **اصول بانکداری اسلامی**، مجله توسعه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۸۰، صص ۴۲-۴۵.

فاطمی زردان، یعقوب، آبان (۱۳۹۵): **بررسی نقش ضمانت سپرده‌ها (بیمه سپرده) در نظام بانکی ایران**، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران، شماره ثبت ۸۰۸۲۲.

فرجی، یوسف و آقای پور، اعظم السادات، بهار (۱۳۸۴): **راهکارهای ارائه بیمه سپرده‌ها در ایران با اتکا به تجارب کشورهای دیگر**، فصل‌نامه صنعت و بیمه، سال بیستم، شماره یک، شماره مسلسل ۷۷، صص ۴۳-۵.

موسویان، سیدعباس، پاییز (۱۳۸۴): **ارزیابی قراردادهای تسهیلات در بانکداری بدون ربا**، مجله اقتصاد اسلامی، سال پنجم، صص ۴۵-۶۹.

موسویان، سیدعباس، پاییز (۱۳۸۵): **ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید**، اقتصاد اسلامی، سال چهارم، صص ۳۱-۵۳.

مهدوی نجم‌آبادی، حسین، (۱۳۷۳): **بانکداری اسلامی شیوه نظری**، همایش‌های ایران، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات پنجمین سمینار بانکداری اسلامی، نظام بانکی و توسعه اقتصادی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صص ۳۰۳-۳۲۰.



مهدوی نجم‌آبادی، حسین، (۱۳۸۱): *تفاوت اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی*، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی: مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صص ۹۳-۱۲۹.

میثمی، حسین، موسویان، سیدعباس، زمستان (۱۳۹۴): *بررسی ساختار عملیاتی مطلوب بانکداری اسلامی (دلالت‌هایی در راستای اصلاح قانون عملیات بانکی بدون ربا)*، فصل‌نامه روند، سال بیست و دوم، شماره ۲۷، صص ۳۹-۸۲.

#### ب. منابع انگلیسی

Bayu Kariastanto, (2011): *Blanket guarantee, deposits insurance and risk-shifting incentive: evidence from Indonesia*, Munich Personal RePEc Archive, paper No. 35557.

Demirgüç-Kunt, Asli and Detragiache, Enrica, (2000): *Does Deposit Insurance Increase Banking System Stability? An Empirical Investigation*, journal of monetary economics, 49, pp.1373-1406.

Kam Hon Chu, (2011): *Deposit Insurance and Banking Stability*, Cato Journal, vol. 31, issue 1, pages 99-117.

Omet, Ghassan, Saif, Ibrahim and Yaseen, Hadeel, (2008): *Market Discipline and Deposit Insurance: Evidence from Some Middle Eastern Banks*, Economic Research Forum and Working Paper No 391.

Schich, Sebastian, (2008): *Financial Turbulence: Some Lessons Regarding Deposit Insurance*, OECD Journal: Financial Market Trends, Issue 1, p. 55-79.